

شکست روسیه در قفقاز؟

علی کریملی

وزیر خارجه سابق آذربایجان

توافق صلح بین ارمنستان و آذربایجان که اخیراً در کاخ سفید آمریکا اعلام شد، شاید واضح‌ترین نشانه موجود باشد که مداخلت‌سنگین ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در قفقاز جنوبی، به جای تقویت، چنگال سلطه روسیه بر این منطقه را تضعیف کرده و در برخی موارد از بین برده است. نقش آمریکا در تسهیل توافق ارمنستان و آذربایجان، یک شگفتی در منطقه است، چندی پیش به نظر می‌رسید که آذربایجان، ارمنستان و گرجستان همگی در حال بازگشت به آغوش روسیه هستند. در ارمنستان، جایی که نخست‌وزیر نیکول پاشینیان به دنبال حرکت به سمت همگرایی با اتحادیه اروپا بوده است، گمان می‌رود که کرملین اخیراً توطئه‌ای را برای روی کار آوردن یک دست‌نشانده طرفدار روسیه طراحی کرده بود تا جنگ با آذربایجان بر سر منطقه مورد مناقشه قره‌باغ کوهستانی را دوباره شعله‌ور کند. به نظر می‌رسد پوتین و حلقه اطرافیان‌ش معتقد بودند که توانایی لازم برای تأثیرگذاری بر رژیم ارمنستان را دارند. اپوزیسیون ارمنستان، طرفدار روسیه و در قبال آذربایجان دارای گرایش‌های تجدیدنظرطلبانه است و روسیه همچنین ابزارهایی برای تقویت اردوگاه ضدپاشینیان از طریق رهبران مذهبی ارمنی طرفدار روسیه و میلیاردرهای روسی ارمنی‌الصل در اختیار دارد. اما تلاش آن‌ها برای این خرابکاری پنهان شکست خورد. وضعیت در آذربایجان به‌طور قابل توجهی متفاوت بود؛ جایی که نیروهای اصلی اپوزیسیون- حزب جبهه مردمی آذربایجان (PPFA) که من رهبری آن را بر عهده دارم و متحد آن، شورای ملی - از همگرایی با عرصه یورو-آتلانتیک حمایت کرده و همکاری با مقامات روسی را رد می‌کنند. به نظر می‌رسد کرملین، مانند دولت آذربایجان، عمیقاً از قدرت روزافزون اپوزیسیون طرفدار غرب هراس دارد و بنابراین احتمالاً از تاکتیک‌های سرکوبگرانه دولت حمایت می‌کند. الهام علی‌اف، رئیس‌جمهور آذربایجان، بر خلاف پاشینیان، با همگرایی یورو-آتلانتیک مخالف است و به شرطی که کرملین به منافع شخصی او احترام بگذارد از تحقیر یا تضعیف او در داخل یا در سطح بین‌المللی خودداری کند، آماده است به اتحاد با آن ادامه دهد. بنابراین، حتی پس از توافق صلح با ارمنستان، روسیه احتمالاً برای سرنگونی علی‌اف تلاش نخواهد کرد، بلکه سعی خواهد کرد او را برای بازگشت به تبعیت کامل تحت فشار قرار دهد. گرجستان مشکل دیگری را ایجاد می‌کند. کرملین بدون شک از دولت فعلی «روایی گر جی» با توجه به سیاست‌های سرکوبگرانه داخلی و لغاضلی‌های ضد غربی‌اش راضی است. اما از آنجایی که روسیه مدت‌هاست ۲۰ درصد از خاک گرجستان را اشغال کرده، دولت باید با افکار عمومی شدیداً ضد روسی مقابله کند. شواهد قوی وجود دارد که کرملین در هفته‌های قبل از دستیابی به توافق با آذربایجان، رهبران اپوزیسیون طرفدار روسیه در ارمنستان را بسیج کرده بود. این ستون پنجم مخالف پاشینیان - متشکل از شخصیت‌های مذهبی طرفدار کرملین و با حمایت سامول کاراپتیان، میلیاردر روسی ارمنی‌الصل - حتی از ارتش ارمنستان خواست تا دولت را سرنگون کند. اما پاشینیان قاطع‌تر و هوشیارتر از آنچه بسیاری (از جمله کرملین) انتظار داشتند، عمل کرد. او نتواند تلاش برای کودتا را خنثی کرد، بلکه احساسات ضد روسی در ارمنستان تشدید شد و به پیشبرد توافق با آذربایجان کمک کرد. در همین حال، کرملین با دستگیری‌های گسترده، شکنجه و اخراج آذربایجانی‌های مقیم روسیه را تحت فشار قرار داده بود. هدف احتمالی، تهدید علی‌اف با افزایش ناآرامی‌های اجتماعی ناشی از سیل بازگشتگان بود. اما این دسیسه‌ها نیز به نتیجه مطلوب نرسید. آذربایجان با بازداشت شهروندان روسی در باکو و مناطق دیگر پاسخ داد و افکار عمومی را به شدت علیه روسیه تغییر جهت داد. استراتژیست‌های کرملین احتمالاً امیدوار بودند که قربانیت ایدئولوژیک علی‌اف با پوتین - که هر دو مخالف دموکراسی و نفوذ غرب هستند - توافق را تسهیل کند. اما علی‌اف تشخیص داد که پوتین به دنبال اهرم فشاری است که هر زمان بخواهد بتواند از آن برای تضعیف قدرت خودش استفاده کند. علی‌اف قصد ندارد کنترل آذربایجان را حتی با پوتین تقسیم کند. در نتیجه، موافقت با یک توافق صلح با میانجیگری آمریکا با ارمنستان و استقبال از نفوذ واشنگتن در منطقه، در مقایسه با اتکال بیشتر به پوتین، گزینه‌ای بسیار امن‌تر به نظر می‌رسید. در نهایت، تمایل پوتین برای سلطه بر قفقاز جنوبی ممکن است نتیجه معکوس به‌همراه داشته باشد: یعنی از دست دادن کامل نفوذ. برای دستیابی به این نتیجه، رهبران منطقه باید مسئولانه عمل کنند، جمعیت آن باید برای افکار‌های لازم جهت دستیابی به دموکراسی و آزادی آماده شوند و مقامات غربی باید آینده‌نگری، احتیاط و شجاعت از خود نشان دهند.



محمدحسین لطف‌اللهی

خبرنگار گروه بین‌الملل

یک سال قبل، در نخستین روزهای آگوست ۲۰۲۴ دولت بنگلادش به رهبری شیخ حسینیه سرکوب خونین معترضان را دنبال می‌کرد که علیه فساد اقتصادی و نابرابری‌های اجتماعی بپا خاسته بودند. دانشجویان هدف گلوله قرار می‌گرفتند، خبرنگاران به زندان می‌افتادند و معترضان به اتهام خیانت مجازات می‌شدند. دیری نپایید، اعتراضاتی که در ابتدا یک اعتراض محدود دانشجویی بوده سیلابی تبدیل شد که نظام سیاسی حاکم در بنگلادش را برانداخت و شیخ حسینیه را در روز ۵ آگوست مجبور به فرار به سوی هند کرد.

بر اساس گزارشی که سی‌ان‌ان در اواخر آگوست سال گذشته منتشر کرد، ۱۴۰۰ نفر در اعتراضات علیه دولت حسینیه کشته و هزاران نفر نیز زخمی شدند.

هرچند معترضان توانستند با هزینه بسیار حکومت حسینیه را ساقط و محمد یونس، اقتصاددان برنده جایزه نوبل را جایگزین او کنند، اما یک سال پس از انقلاب بنگلادش، مردم در این کشور از سرعت بسیار پایین تغییرات ناراضی هستند و برخی از آن‌ها از «هدر رفتن خون معترضان که جان خود را فدا کردند» سخن می‌گویند.

در دوران نخست‌وزیری موقت محمد یونس که همچنان ادامه دارد، دولت بنگلادش کوشید تا با مشکلات ساختاری مانند فساد گسترده، تورم، نرخ بالای بیکاری و بوروکراسی دست و پاگیری که میراث حکومت‌های قبلی به شمار می‌رفت مقابله کند. دولت بنگلادش معتقد است حل این مشکلات به‌ویژه اصلاح ساختار سیاسی کشور به زمان نیاز دارد اما دانشجویان که موتور محرک اعتراضات علیه حکومت حسینیه بودند معتقدند این اصلاحات باید با سرعت بیشتری دنبال شود. آن‌ها همچنین به دنبال مجازات شیخ حسینیه و اعضای ارشد حزب عوامی لیگ (حزب متبوع او) به‌ویژه مقام‌های امنیتی هستند.

برادر یکی از کشته‌شدگان اعتراضات سال ۲۰۲۴ بنگلادش هفته گذشته در گفت‌وگویی با روزنامه نیویورک تایمز گفت: «ما فکر می‌کردیم نابرابری پایان می‌یابد، انتخاباتی آزاد و عادلانه برگزار می‌شود، قاتلان مجازات اعمال‌شان را می‌بینند و مجازات آن‌ها جنایتکاران را خواهد ترساند. اما هیچ‌کدام از این اتفاقات نیفتاد.»

▼ چرا انقلاب شد؟

اعتراضات منتهی به «انقلاب جولای» و استعفا و فرار شیخ حسینیه در جولای ۲۰۲۴ در دانشگاه داکا (پایتخت بنگلادش) آغاز شد. تظاهرات سازماندهی‌شده از سوی دانشجویان در ابتدا مسالمت‌آمیز بود اما به کارگیری نیروهای نظامی و امنیتی برای سرکوب آن‌ها که به دستور شیخ حسینیه واجد، نخست‌وزیر وقت بنگلادش صورت گرفت، خشم عمومی را علیه دولت برانگیخت.

دانشجویان این دانشگاه از روز ۱ جولای (۱۱ تیر) اعتراضات علیه سهمیه‌بندی مشاغل دولتی را آغاز کردند و به مرور این اعتراضات به سایر دانشگاه‌های مطرح در این کشور سرایت کرد. این اعتراضات در ابتدا جنبه مسالمت‌آمیز داشت و خشونت از سوی معترضان دیده نمی‌شد. اما براساس گزارش روزنامه نیویورک تایمز، زمانی که تعدادی از اعضای شاخه دانشجویی حزب عوامی لیگ (حزب حاکم بنگلادش) که حامی این سهمیه‌بندی بودند به دانشجویان حمله کردند شرایط تغییر کرد. برخورد خشن آن‌ها با دانشجویان به‌ویژه دانشجویان دختر باعث تشدید اعتراضات و به خشونت کشیده شدن آن شد.

پس از آن، اعتراضات به صحنه درگیری شهروندان معترض که به کمک دانشجویان آمده بودند با نیروهای نظامی و امنیتی بدل شد. برخی از حامیان دولت شیخ حسینیه نیز با حضور در خیابان و درگیر شدن با شهروندان معترض به تشدید درگیری‌ها دامن زدند.

خواسته معترضین در ابتدا تغییر نظام سهمیه‌بندی مشاغل دولتی و حذف سهمیه‌هایی بود که مانع از انتخاب افراد شایسته برای شغل‌های دولتی می‌شد.

این نظام سهمیه‌بندی اولین بار در سال ۱۹۷۲ از سوی شیخ مجیب‌الرحمان، بنیانگذار کشور بنگلادش (پدر شیخ حسینیه) که رهبری جنگ استقلال این کشور از پاکستان را بر عهده داشت بنا شد. هزاران نفر از استقلال طلبان شامل معترضان و جنگجویان در این جنگ استقلال کشته شدند. سیستم سهمیه‌بندی تضمین می‌کرد که دولت بنگلادش از مبارزان آزادی، فرزندان و نواده‌های آنان مراقبت خواهد کرد. در زمان وقوع اعتراضات در بنگلادش، ۵۶ درصد از مشاغل دولتی در اختیار خویشاوندان آن مبارزان قرار داشت و برای آن‌ها سهمیه‌هایی اختصاصی برای تصدی شغل دولتی در نظر گرفته شده بود. سال‌ها بعد از شیخ مجیب‌الرحمان، این سهمیه‌ها گسترش پیدا کرد و برای زنان، برخی قومیت‌ها، اقلیت‌ها و افراد دارای معلولیت نیز سهمیه‌هایی جداگانه در نظر گرفته شد.

دانشجویان معترض خواستار این بودند که علاوه بر سهمیه‌بازماندگان مبارزان استقلال، سهمیه زنان و قومیت‌ها

عکس: The New York Times



اعتراضات منتهی به «انقلاب جولای»

و استعفا و فرار

شیخ حسینیه در

جولای ۲۰۲۴

در دانشگاه داکا

آغاز شد. تظاهرات

سازماندهی‌شده از

سوی دانشجویان

در ابتدا مسالمت‌آمیز

بود اما به کارگیری

نیروهای نظامی

و امنیتی برای

سرکوب آن‌ها به

دستور شیخ حسینیه

واجد، خشم عمومی

را علیه دولت

برانگیخت

نیز حذف شود اما اعتراضی به سهمیه اقلیت‌ها و افراد دارای معلولیت نداشتند. هرچند در نهایت دیوان عالی بنگلادش اعتراض دانشجویان را وارد دانست و اعلام کرد که ۹۳ درصد مشاغل دولتی بدون سهمیه و بر اساس شایسته‌سالاری تقسیم خواهد شد، اما شیوه برخورد با معترضان باعث شده بود تا برای هر تغییری بسیار دیر شده باشد.

بر خورد خود خانم حسینیه هم نقش زیادی در خشمگین‌تر شدن معترضان داشت. او علاوه بر صدور دستور سرکوب و حمایت از نیروهای امنیتی برای خاموش کردن اعتراضات، معترضان را «رضاکار» خطاب کرد. «رضاکار» اصطلاحی بسیار توهین‌آمیز در بنگلادش است که پیش از این برای توصیف کسانی به کار می‌رفت که در طول جنگ استقلال بنگلادش با ارتش پاکستان همکاری می‌کردند.

این وضعیت باعث شد سرانجام در پی تداوم اعتراضات در بنگلادش و هجوم معترضان به اقامتگاه شیخ حسینیه، او روز دوشنبه ۵ آگوست استعفاي خود را اعلام و با بالگرد به هند فرار کند.

هرچند اعتراضات به سهمیه‌ها عامل اصلی سقوط دولت ۱۵ ساله شیخ حسینیه به شمار می‌رفت اما نباید از اثرگذاری قابل توجه عوامل دیگر به‌ویژه عوامل اقتصادی و نارضایتی از نبود آزادی‌های مدنی غافل شد.

بنگلادش در بیشتر دوران زمامداری شیخ حسینیه از رشد اقتصادی نسبتاً خوبی برخوردار بود، اما این رشد در دوران پس از همه‌گیری کرونا کند شد و آن‌طور که بانک جهانی در آخرین بررسی خود پیش از سقوط دولت اشاره می‌کرد، نابرابری در مناطق شهری گسترش یافته بود. وضعیت به گونه‌ای بود که در آن زمان در کشوری با ۱۷۰ میلیون نفر جمعیت، بیش از ۳۰ میلیون نفر مشغول کار یا تحصیل نبودند.

به‌ویژه بعد از همه‌گیری کرونا، هزینه زندگی در بنگلادش افزایش یافته بود. در ماه نوامبر ۲۰۲۳ نرخ تورم در این کشور به ۹/۵ درصد رسید. ذخیره‌های ارزی از عدد بی‌سابقه ۴۸

شبه
قارهسرعت کم
نارضایتی‌هایی را از دولت

میلیارد دلار در ماه اوت ۲۰۲۱ به حدود ۲۰ میلیارد دلار کاهش یافته بود و بدهی‌های خارجی هم از سال ۲۰۱۶ دو برابر شده بود.

آمارها نشان می‌داد که در دوره حاکمیت شیخ حسینیه بازداشت‌های سیاسی، ناپدیدشدن‌ها، کشته‌شدن‌ها و دیگر اشکال آزار و اذیت روبه افزایش بوده است. دیدبان حقوق بشر بازداشت هواداران احزاب مخالف را «سرکوب خشونت‌آمیز مستبدانه» از سوی دولت توصیف کرده بود. این وضعیت برای رهبری که زمانی برای استقرار دموکراسی چندحزبی مبارزه می‌کرد، چرخشی قابل توجه به حساب می‌آمد. شیخ حسینیه در دهه ۱۹۸۰ میلادی به رهبران مخالف دیگر، از جمله قیوب سرسختش، خالد ضیا پوست‌تا در دوره حکومت ژنرال حسین محمد ارشاد، تظاهرات اعتراضی برای برقراری دموکراسی برگزار کنند.

او که دختر بزرگ شیخ مجیب‌الرحمان، بنیان‌گذار کشور بنگلادش بود، اولین بار در جریان یک انتخابات چندحزبی در سال ۱۹۹۶ به قدرت رسید. اما در انتخابات ۲۰۰۱ قدرت را به خالد ضیا، رهبر حزب ملی گرای بنگلادش واگذار کرد. در سال ۲۰۰۹ او برای دومین بار به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد و در انتخابات‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۸ نیز موفق به حفظ این مقام شد. حسینیه در ژانویه ۲۰۲۴، به شکلی بی‌سابقه برای چهارمین بار به عنوان نخست‌وزیر برگزیده شد. اما مخالفان معتقد بودند که در آن انتخابات، تقلب گسترده‌ای صورت گرفته است.

همه این عوامل دست به دست هم داد تا در نهایت آگوست ۲۰۲۴ دولت حسینیه ساقط شود. چند روز پس از کناره‌گیری و فرار شیخ حسینیه به هند، محمد یونس، اقتصاددان برنده جایزه صلح نوبل به‌عنوان رئیس دولت موقت انتخاب شد.

▼ آغاز یک مسیر طولانی

با تشکیل دولت موقت، مسئولیت سنگین اصلاحات در بنگلادش، کشوری فقیر، فاسد و درگیر تفرقه‌های